

بزه‌دیده‌شناسی جرایم دولت

دیوید کوزلاریچ، ریک ماتشو، ویلیام جی میلر*

مترجم: مجید قورچی بیگی**

چکیده

مطالعه جرایم دولت در جرم‌شناسی حدود سه دهه سابقه دارد. هرچند تحقیق در این حوزه از جرم‌شناسی فعال شده است، اما طی دهه گذشته در حد انتظار رشد نداشته است. در تلاش برای احیای مطالعه در حوزه جرایم دولت، در ابتدا پیشینه انواع مختلف بزه‌دیدگان و جرایم دولت در ادبیات جرم‌شناسی را بررسی و مرور می‌کنیم و با توجه به گونه‌شناسی جرایم دولت، در رابطه با اینکه اشخاص و گروه‌ها چگونه در عرصه داخلی و بین‌المللی بزه‌دیده جرایم دولت می‌شوند، بحث خواهیم نمود. سپس با تأکید بر موضوعات و درون‌مایه‌های مشترک در بزه‌دیدگی، شش پیشنهاد استقرائی با هدف تسهیل در توسعه بزه‌دیده‌شناسی جرایم دولت ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: بزه‌دیده، جرم‌شناسی، جرایم دولت

مقدمه

مطالعات جرم‌شناختی در حوزه اقدامات غیراخلاقی، غیرقانونی و زیان‌بار دولت‌ها، از زمان شروع تحقیق در این حوزه از اواخر دهه ۸۰ و اواسط دهه ۹۰ میلادی، در حد انتظار رشد نداشته است. در حال حاضر تلاش برای توسعه و رشد جرم‌شناسی تجربی و نظری جرایم دولت، رو به رشد نیست، هرچند در این زمینه تلاش‌های مفهومی و تیپولوژی فراوانی صورت می‌گیرد. جرم‌شناسان انتقادی به صورت تاریخی، به مسئله فهم جرایم دولت و ارتباط میان زیان‌های ناشی از اقدامات شرکت‌های قدرتمند و نهادها و سازمان‌های

* David Kauzlarich, Rick A. Matthews, William J. Miller, "Toward a victimology of State crime", *Critical Criminology* 10: 173-194, 2001.

** دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

1. Friedrichs, D.O. (1996). "Trusted Criminals: White Collar Crime in Contemporary Society". New York: Wadsworth; Kauzlarich, D. (1995). A Criminology of the Nuclear state. *Humanity and Society* 19, 37-57.

دولتی پرداخته‌اند؛ هر چند امروزه جرم‌شناسان کمی مانند فردریچ و کوئینی بزه‌دیده‌شناسی رادیکال و انتقادی زیان‌ها و اقدامات غیراخلاقی سازمان‌یافته دولت‌ها را دنبال می‌کنند. در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی عده‌ای از جرم‌شناسان انتقادی و دیگر عالمان اجتماعی به بحث پیرامون جرایم دولت پرداختند^۱ و موضوعات برخی از مجلات مانند «عدالت اجتماعی»^۲ و «موضوعاتی در جرم‌شناسی»^۳ به مطالب مربوط به جرایم دولت اختصاص یافته بود. جرایم نخبگان و نهادهای سیاسی مورد توجه جرم‌شناسانی چون کلینارد و کوئینی، میشلوفسکی، کوئینی و سیمون و ایتیزن قرار گرفت. این آثار مبنای مطالعات جرم‌شناختی مدرن در حوزه اقدامات غیرقانونی و غیراخلاقی دولت در قلمرو سازمانی تلقی می‌شوند. شاید مهم‌ترین نقش و سهم را در این میان چمبلیس^۴ داشته است که در سخنرانی خود به عنوان رئیس انجمن جامعه‌شناسی آمریکا خطاب به اعضای این انجمن خواهان مطالعه در مورد جرایم سازمان‌یافته دولت^۵ شد. همانند ساترلند که در چهل و چهار سال قبل از این، در سخنرانی خود در انجمن جامعه‌شناسی آمریکا خواهان مطالعه در حوزه جرایم یقه‌سفید شده بود. وی در سخنرانی خود بر معرفت‌شناسی غالب در جرم‌شناسی اشکال کرد و خواستار مطالعه بیشتر پیرامون انواع جرایم زیان‌بار دولت شد که در بین اکثر جرم‌شناسان فراموش شده بود^۶.

در اوایل دهه ۹۰ میلادی تحقیق کمی و کیفی در حوزه جرایم دولت به شدت افزایش یافت. «جرایم دولت سرمایه‌دار» اولین کتاب برگزیده‌ای بود که در سال ۱۹۹۱ باراک^۷ از منظر جرم‌شناسی منتشر کرد. تونل^۸ نیز مانند باراک در حوزه جرایم سیاسی مطالعه موردی

1. Falk, R., Kolko, G. and Lifton, R.J. (1971). **Crimes of War**. New York: Vintage. Fox, J. and Szockyj, E. (1996). **Corporate Victimization of Women**. Boston: Northeastern University Press.

2. Social Justice

3. Issues in Criminology

4. Chambliss, W.J. (1989). "State-Organized Crime". **Criminology** 27, 183-208.

5. State-Organized Crime

۶. ویژگی مشترک دیگر بین سخنرانی چمبلیس و ساترلند، انتقاد از جرم‌شناسی غالب است. شاید بتوان گفت که ساترلند در مقاله‌ی خود بیشتر از آنکه به دنبال بررسی جرایم یقه‌سفیدها باشد بیشتر به دنبال انتقاد از جرم‌شناسی رایج و مبتنی بر نظریه‌های ساختار اجتماعی و روش‌های آن است که از نظر وی نسبت به طبقه فرودست متعصب است و علل ارتکاب جرم را در ساختارهای اجتماعی جستجو می‌کند. از همین روی، وی به دنبال تبیین نظریه‌ای فرایندی است که بتوان با آن انواع مختلف بزهکاری‌ها را تبیین نمود که وی آن را در نظریه‌های فرایند اجتماعی، یعنی نظریه یادگیری اجتماعی جستجو می‌کند. (مترجم)

7. Barak, G. (1991). **Crimes by the Capitalist State**. Albany: State University of New York Press.

8. In K. Tunnell (ed.), **Political Crime in Contemporary America**. New York: Garland, pp. 207-230.

انجام داد و نقش دولت در تضعیف جنبش‌های کارگری، تسهیل پدرسالاری و جرایم شرکتی را بررسی کرد. راس^۱ مجموعه مقالاتی را پیرامون اینکه چگونه مقررات بین‌المللی، تنظیمی^۲ و دیگر اشکال مقررات و کنترل‌های اجتماعی می‌توانند از وقوع اقدامات غیرقانونی غیرقانونی و غیراخلاقی دولت‌ها بکاهند یا مانع این گونه رفتارها شوند، جمع‌آوری کرد. در کنار این مطالب، مقالاتی نیز به قلم چمبلیس^۳، کوهن^۴، فریدریچ^۵، کوزلریچ^۶ نوشته شده شده است.

تحقیقات جدیدتر را در این حوزه راس و فریدریچ انجام داده‌اند. فریدریچ مجموعه مقالاتی را در دو جلد در مورد جرایم دولت منتشر کرده است که بیشتر نویسندگان این مقالات، جرم‌شناس نیستند. مجموعه مقالات راس پیرامون کنترل جرایم دولت با مطالعه چندین کشور غربی از جمله ایتالیا و ژاپن است.

با وجود اینکه در مطالعه جرایم دولت در چند سال گذشته تحولات مهمی به چشم می‌خورد و این موضوع در جرم‌شناسی، هنوز حوزه‌ای فرعی است و سرعت پیشرفت نظری و تجربی در آن (حتی در جرم‌شناسی انتقادی) کند است. تقریباً در طی سی سال تحقیق در حوزه جرایم دولت، این تلاش‌ها به دنبال توجه جرم‌شناختی بیشتر به اقدامات غیراخلاقی و غیرقانونی دولت‌ها بوده‌اند، اما پاسخ کافی نبوده است.

همچنین در حوزه بزه‌دیده‌شناسی جرایم دولت نیز مطالعه کافی صورت نگرفته است. به رغم وجود ادبیات در زمینه بزه‌دیده‌شناسی، اما تلاشی برای تبیین ماهیت، گستره و توزیع بزه‌دیده‌شناسی جرایم دولت انجام نشده است. این بی‌توجهی در فجایع دولت‌ها در رواندا، یوگوسلاوی سابق، کوزوو، تیمور شرقی نیز وجود داشته است. هزاران انسان در این فجایع انسانی به قتل رسیدند و مورد تجاوز قرار گرفتند یا در نتیجه از سیاست‌ها و اقدامات دولت‌ها سوءاستفاده شد. نسل‌کشی و پشتیبانی دولتی از آن، پاک‌سازی قومی و امپریالیسم موضوعات مربوط به گذشته نیستند، بلکه مشکل حال حاضر دنیا و نیازمند مطالعات علمی جدی و فوری هستند.

1. Ross, J.I. (1995). **Controlling State Crime**. New York: Garland

2. *Regulatory Law*

3. Chambliss, W.J. (1995). Commentary. **Society For the Study of Social Problems Newsletter**, Winter.

4. Cohen, S. (1993). Human Rights and Crimes of the State: The Culture of Denial. **Australian and New Zealand Journal of Criminology**, 26: 97-115.

5. Friedrichs, D.O. (1996a). Governmental Crime, Hitler, and White Collar Crime: A Problematic Relationship. **Caribbean Journal of Criminology and Social Psychology** 1, 44-63.

6. Kauzlarich, D. (1995). A Criminology of the Nuclear State. **Humanity and Society** 19, 37-57.

بزه‌دیده‌شناسی رادیکال در بستر تحقیق در حوزه‌های جرایم خیابانی^۱، جرایم شرکتی علیه زنان^۲ و خشونت‌های خانوادگی^۳ بسط و توسعه یافته است. اکنون ضروری است که جرم‌شناسی جرایم دولت، بررسی بزه‌دیده شناختی این‌گونه جرایم را آغاز کند. این مقاله قدمی در این راه است. در ابتدا جرایم دولت تعریف می‌شود و در ادامه به گونه‌شناسی بزه‌دیدگان جرایم دولت می‌پردازیم.

الف) جرم دولتی چیست و بزه‌دیده کیست؟

یکی از نکات مهم در توسعه و رشد بزه‌دیده‌شناسی دولت روشن کردن مفهوم بزه‌دیده است، مسئله‌ای که به علت نبود تعریف یکسان و واحد از جرایم دولت، محقق نشده است. با وجود عناوین مختلفی چون جرم سیاسی، جرم حکومت، جرایم سازمان‌یافته دولتی، غالب اندیشمندان فعال در این حوزه توافق دارند که جرایم دولتی^۴ یا حکومتی^۵ اقدامات غیرقانونی، ضداجتماعی و ظالمانه‌ای هستند که به نفع دولت‌ها یا نهادهای دولتی و نه برای سود و نفع فردی (عوامل فردی دولت) ارتکاب می‌شوند. چنین تعریفی با تعریف کلاسیک کلینارد و کوئینی^۶ در مورد جرایم شغلی و جرایم شرکتی هماهنگ است و تأکید دارد که جرایم دولتی یا حکومتی از جمله جرایم سازمانی هستند.^۷

در ادبیات جرم‌شناسی، بزه‌دیدگان جرایم دولت عبارت‌اند از غیرنظامیان و نظامیان جنگ^۸، قربانیان نسل‌کشی^۹، مردم در معرض نژادپرستی^{۱۰}، تبعیض جنسی^{۱۱}، تبعیض

1. Elias, R. (1986). "The Politics of Victimization". Oxford: Oxford University Press.
- Ermann, M.D. and Lundman, R.J. (1996). **Corporate and Governmental Deviance**. New York: Oxford University Press.
- Mawby, R.I. and Walklate, S. (1994). **Critical Victimology**. Thousand Oaks, CA: Sage.
2. Fox, J. and Szockyj, E. (1996). **Corporate Victimization of Women**. Boston: Northeastern University Press.
3. Bergen, R.K. (1998). **Issues in Intimate Violence**. Thousand Oaks, CA: Sage.
4. State Crimes
5. Governmental Crimes
6. Clinard, M. and Quinney, R. (1973). **Criminal Behavior Systems: A Typology**. New York: Holt, Rinehart, and Winston
7. Organizational Crime
8. Kauzlarich, **op.cit.**
9. Friedriches, **Trusted Criminals: White Collar Crime in Contemporary Society**.
10. Simon, D.R. (2002). **Elite Deviance** (7th edition). Boston: Allyn and Bacon; and Hazlehurst, K. (1991). **Passion and Policy: Aboriginal Deaths in Custody in Australia 1980-1989**. In G. Barak (ed.), **Crimes by the Capitalist State**. Albany: State University of New York Press, pp. 21-47.
11. Caulfield, S. and Wonders, N. (1993). **Personal and Political: Violence Against Women and the Role of the State**. In K. Tunnell (ed.), **Political Crime in Contemporary America**. New York: Garland, pp. 79-100.

طبقاتی^۱ مادران معتاد به کراک^۲، افراد مورد آزمایش‌های خطرناک^۳، کشورها و ملت‌هایی که که با ابرقدرت‌ها مخالفت می‌کنند^۴، کارگران^۵، موسسان اتحادیه‌ها^۶، مهاجران^۷، زندانیان^۸، زندانیان^۹، محیط زیست و طبیعت^۹، فضانوردان^{۱۰}، مظنونان پرونده‌های کیفری^{۱۱}، کسانی که در معرض امپریالیسم فرهنگی هستند^{۱۲} و مسافران هواپیما^{۱۳}.

از بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی نیز تعاریف متعددی وجود دارد. در مفهوم‌سازی بزه‌دیدگی جرایم شرکتی گفته شده است که بزه‌دیده اشخاص یا گروه‌هایی هستند که رضایت آگاهانه، اهلیت و توانایی قضاوت و تشخیص منطقی نداشته‌اند و مجبور یا اغوا به شرکت در وضعیتی شده‌اند که منجر به پیامدهای نامطلوبی برای آنها شده است. این طرز تفکر در مورد بزه‌دیده جرایم دولت مفید است اما الگوهای ساختاری و روابطی را که اغلب موجب بزه‌دیدگی می‌شود یا بزه‌دیدگی را تسهیل می‌کند، در نظر نمی‌گیرد. برای مثال فقرا، اقلیت‌های قومی و نژادی و زنان به طور آشکار یا عامدانه توسط دولت بزه‌دیده می‌شوند، زیرا دولت از تعریف‌های ساختاری و فرهنگی بزرگتر حمایت می‌کند. در نهایت، این قشربندی موجب نابرابری در روابط اجتماعی بین دولت و شهروندان می‌شود. دولتی که از این

1. Bohm, R. (1993). Social Relationships that Arguably Should be Criminal Although They are not: On the Political Economy of Crime. In K. Tunnell (ed.), **Political Crime in Contemporary America**. New York: Garland, pp. 3-30.
2. Humphries, D. (1999). **Crack mothers: Pregnancy, Drugs, and the Media**. Columbus: Ohio State University Press.
3. Kauzlarich, D. and Kramer, R.C. (1998). **Crimes of the Nuclear State: At Home and Abroad**. Boston: Northeastern University Press.
4. Barak, G. (1993). Crime, Criminology, and Human Rights: Toward an Understanding of State Criminality. In K. Tunnell (ed.), **Political Crime in Contemporary America**. New York: Garland, pp. 207-230. ; Kauzlarich, D and Kramer, **Crimes of the Nuclear State: At Home and Abroad**.
5. Aulette, J.R. and Michalowski, R. (1993). Fire in Hamlet: A Case Study of State-Corporatecrime. In K. Tunnell (ed.), **Political Crime in Contemporary America**. New York: Garland, pp. 171-206. ; Friedrichs, **Trusted Criminals: White Collar Crime in Contemporary Society**, **Op,Cit**.
6. In K. Tunnell (ed.), **Political Crime in Contemporary America**. **Op,Cit**.
7. Hamm, M.S. (1995). **The Abandoned Ones: The Imprisonment and Uprising of the Mariel Boat People**. Boston: Northeastern University Press.
8. Kauzlarich, D. and Kramer, R.C, **Crimes of the Nuclear State: At Home and Abroad**,
9. Kauzlarich, D. and Kramer, R.C, **Crimes of the Nuclear State: At Home and Abroad**, State-Corporate Crime in the U.S. Nuclear Weapons Production Complex.
10. Kramer, R.C. (1992). **The space shuttle Challenger explosion: A case study of State-Corporate Crime**
11. Hazlehurst, K. (1991). Passion and Policy: Aboriginal Deaths in Custody in Australia 1980-1989. In G. Barak (ed.), **Crimes by the Capitalist State**. Albany: State University of New York Press, pp. 21-47. ; Henderson, J.H. and Simon, D.R. (1994). **Crimes of the Criminal Justice System**. Cincinnati: Anderson Publishing Company
12. Ross, J.I. (1995). **Controlling State Crime**. New York: Garland
13. Matthews, R. and Kauzlarich, D. (2000). The Crash of ValuJet Flight 592: A Case Study in State-Corporate Crime. **Sociological Focus** 3(3), 281-298.

نابرابری‌ها و اقدامات زیان بار غیرقانونی و غیراخلاقی حمایت می‌کند، تا اندازه‌ای در برابر بزه‌دیدگی شهروندان مسئول است. این رویکرد منطبق و همسو با ادبیاتی است که به دنبال تعیین نقش دولت در ایجاد ساختارهای اجتماعی غیراخلاقی و ناعادلانه است.^۱ کوزلاریچ^۲ در یک تعریف مقدماتی بزه‌دیده جرایم دولتی را این‌گونه تعریف می‌کند:

افراد یا گروهی از افراد که به علت اقدامات یا سیاست‌های دولتی خلاف قانون یا قواعد کلی حقوق بشر، متحمل صدمه جسمی، فرهنگی و اقتصادی، رنج، محرومیت یا استثمار شده‌اند.

این تعریف هرچند کمی موسع به نظر می‌رسد، اما در برگیرنده ماهیت و محتوای ادبیات جرم‌شناختی درباره انواع جرایم دولت است. همچنین از قوانین داخلی و بین‌المللی و ضوابط و معیارهای حقوق بشری می‌توان در تعریف بعضی از اقدامات مجرمانه دولت استفاده کرد. بنابراین در تعریف فعالیت‌ها و اقدامات مجرمانه دولت‌ها می‌توان از قوانین مصوب بین‌المللی و قوانین عرفی بین‌المللی به‌علاوه مقررات و قوانین داخلی و معیارهای حقوق بشر استفاده کرد.

در تقسیم بندی کلی، بزه‌دیدگان جرایم دولت، به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ ۱. بزه-دیدگان جرایم داخلی دولت ۲. بزه‌دیدگان جرایم بین‌المللی دولت. جرایم داخلی دولت زمانی روی می‌دهد که دولت با اقدامات خود حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شهروندان خود را نقض می‌کند. جرایم بین‌المللی دولت زمانی رخ می‌دهد که دولت یا حاکمیت، حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شهروندان سایر کشورها را نقض می‌کند. قوانین داخلی و بین‌المللی مختلفی می‌توانند به عنوان چارچوبی معرفت‌شناختی برای جرم‌شناسی مطرح باشند^۳. بنابراین برای تعریف اقدامات دولت به عنوان اقداماتی مجرمانه می‌توان به قوانین بین‌المللی، ضوابط حقوق بشری و قوانین داخلی متوسل شد. در جدول شماره (۱) گونه‌های جرایم دولتی، براساس اینکه اقدام دولت بر مبنای قوانین داخلی یا بین‌المللی یا ضوابط حقوق بشری جرم قلمداد می‌شود و براساس اینکه بزه‌دیده داخلی بوده است یا بین‌المللی، نشان داده شده است.

1. Bohm, R. **Op,Cit**; Kramer, R.C. and Michalowski, R. (1990). **State-Corporate Crime**. Paper Presented at the Annual Society of Criminology Meeting, Baltimore, MD.; Aulette, J.R. and Michalowski, R. (1993). **Fire in Hamlet: A Case Study of State-Corporatecrime**. In K. Tunnell (ed.), **Political Crime in Contemporary America**. New York: Garland.pp. 171-206.
2. Kauzlarich, **Op,Cit**.
3. Kauzlarich, **Op,Cit**.

جدول شماره ۱: گونه‌های جرایم دولتی

گونه جرم	حرف اختصاری	تعریف	مثال
جرایم داخلی - بین‌المللی دولتی	DIGC	جرمی است که در قلمرو جغرافیایی یک کشور و برخلاف قوانین بین‌المللی و حقوق بشر رخ می‌دهد.	نژادپرستی نهادی
جرایم بین‌المللی - بین‌المللی دولتی	IIGC	جرمی است که در خارج از قلمرو جغرافیایی یک کشور و برخلاف قوانین بین‌المللی و حقوق بشر رخ می‌دهد.	تروریسم اقتصادی
جرایم داخلی - داخلی دولتی	DDGC	جرمی است که در قلمرو جغرافیایی یک کشور و برخلاف مجموعه قوانین کیفری و شکلی همان کشور رخ می‌دهد.	برنامه‌های ضد جاسوسی اف.بی.آی در آمریکا (Cointelpro)
جرایم بین‌المللی - داخلی دولتی	IDGC	جرمی است که در خارج از قلمرو جغرافیایی یک کشور و برخلاف قوانین کیفری و شکلی همان کشور رخ می‌دهد.	پرونده ایران کتترا

منبع (Kauzlarich, 1995)

ب) جرایم داخلی - بین‌المللی دولتی

«این جرایم در حوزه جغرافیایی یک دولت و برخلاف تعهدات دولت در حقوق بین‌الملل و معیارهای حقوق بشر رخ می‌دهند». برای مثال، نقض کنوانسیون‌های بین‌المللی (از قبیل کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض نژادی). در ادامه در مورد دو مصداق مشخص از این جرایم یعنی، نژادپرستی سیستماتیک، تبعیض نژادی و تبعیض طبقاتی در نظام اجتماعی و سیاست جنایی و آزمایش تشعشعات بر روی انسان، بحث خواهد شد.^۱

هرچند میزان جرایم آمریکایی‌های آفریقایی در طی دهه ۹۰ تغییر نکرده است، اما نرخ زندانی شدن آنها در دهه ۸۰ میلادی افزایش قابل توجهی داشته است. این روند در دهه ۹۰ میلادی به علت اقدامات سخت‌گیرانه‌ی نظام عدالت کیفری، مانند سه ضربه و اخراج،

1. Kauzlarich, *Op,Cit*, p.40.
2. Human Radiation Experiments

شدت یافت. میلر^۱ اعتقاد دارد که مبارزه با مواد مخدر مبتنی بر تعصبات نژادی است که موجب افزایش تبعیض در نظام عدالت کیفری می‌شود. این تبعیض و جانبداری احتمال درگیری جوانان سیاه را با دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری بیشتر می‌کند. حدود یک سوم (۳۲ درصد) از مردان سیاه پوست در گروه سنی ۲۹-۲۰ به نوعی با نظام عدالت کیفری درگیر هستند، اعم از اینکه در زندان یا تحت تعلیق مراقبتی باشند و حدود ۴۹ درصد از جمعیت زندانیان آمریکا را آمریکایی‌های آفریقائی تشکیل می‌دهند با وجود اینکه تنها ۱۳ درصد از جمعیت آمریکا را هستند.^۲ این نوع تبعیض‌های نژادی در سیاست‌ها و خط-مشی‌های مربوط به مبارزه با مواد مخدر مشاهده می‌شود که خود نوعی نقض کنوانسیون بین‌المللی رفع تمام اشکال تبعیض‌های نژادی است. در پایان جانسون و لیتون اعتقاد دارند که زندانی شدن و حبس تنها بخشی از این مشکلات است:

بعد از آزادی از زندان سوءسابقه آنها مانع از پیدا کردن کار و در نتیجه بیکار ماندن آنها می‌شود. جوانان فقط به صرف داشتن یک سابقه دستگیری (نه محکومیت یا حبس) در چنین مخمصه‌ای گرفتار می‌شوند. شغل، مسکن، بیمه (به عنوان ضروریات یک زندگی امن) دور از دسترس آنها خواهد بود.

یکی دیگر از مصادیق جرایم داخلی بین‌المللی دولتی آزمایش تشعشعات بر روی انسان‌ها است که دپارتمان انرژی آمریکا و سایر نهادهای فدرالی آن را تأمین بودجه کرده بودند. بسیاری از این آزمایش‌ها برخلاف قانون نورمبرگ بوده است که انجام آزمایش‌های بدون رضایت، توأم با بی‌مبالاتی، از روی فریب‌کاری و اجباری را ممنوع اعلام کرده است. از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۷ مجموعه‌ای از آزمایش‌ها در پروژه متھاتن^۳ و کمسیون انرژی اتمی آمریکا با هدف مطالعه تأثیر تابش پلوتونیم بر روی انسان انجام شد. افراد شرکت‌کننده در این آزمایش آشکارا فریب‌خورده بودند؛ به طوری که به شرکت‌کنندگان در این آزمایش گفته شده بود که هدف این آزمایش‌ها درمان بیماری‌های تهدیدکننده حیات است، در حالی که این آزمایش‌ها به دولت کمک می‌کرد تا از تأثیرات پلوتونیم بر بدن انسان در زمان جنگ اتمی آگاهی یابد. دومین مجموعه از آزمایش‌های تشعشعاتی که برخلاف قانون نورمبرگ بود در فاصله سال‌های بین ۱۹۷۳-۱۹۶۳، در زندان انجام شد. ۱۳۰ زندانی، در زندان ایالتی اورگن^۴ در سالم^۵ و زندان ایالتی واشینگتن در والا والا^۱ برای بررسی تأثیر تشعشعات بر

1. Miller, J. (1996). **Search and Destroy**. Cambridge, MA: Cambridge University Press.

2. Mauer, M. (1999). **The Crisis of the Young African American Male and the Criminal Justice System**. Washington, D.C.: Sentencing Project.

3. Manhattan Project

4. Oregon State Prison

5. Salem

عملکرد بیضه^۲ آزمایش شدند. در هر بار پرتو درمانی زندانیان ۲۵ دلار دریافت می‌کردند و فقط کمی از خطرهای احتمالی مطلع شده بودند. این آزمایش‌ها برخلاف قانون نورمبرگ بود که علاوه بر سایر شرایط، ایجاب می‌کند که سوژه تحقیق اهلیت قانونی برای اعطای رضایت آزادانه و بدون تقلب و اکراه داشته باشد.^۳

ج) جرایم داخلی-داخلی دولتی

این جرایم عبارت از «اقدامات و اعمالی است که در حوزه جغرافیایی و قلمرو یک کشور رخ می‌دهد و نقض قوانین کیفری آن کشور است»^۴. برای مثال، آزمایش‌های سفلیس تاسکجه^۵،^۶ صدمه و آسیب دیدن کارگران و سایر مردم بر اثر تولید مواد اتمی و هسته‌ای و نقض حقوق سیاسی مردم (برای مثال برنامه ضد جاسوسی اف.بی.آی) و تخریب محیط زیست به علت ساخت مجموعه‌های ساخت سلاح اتمی در آمریکا. شکی نیست که برنامه ضد جاسوسی اف.بی.آی علیه شهروندان آمریکا، در بهترین حالت، غیراخلاقی و در بدترین حالت غیرقانونی است. یکی از سازمان‌یافته‌ترین اشکال سرکوبی حقوق سیاسی در آمریکا برنامه ضد جاسوسی اف.بی.آی^۷ است. در این برنامه اداره تحقیقات فدرال علیه مخالفان سیاسی خود از قبیل حزب کمونیست آمریکا^۸، حزب کارگران سوسیالیست آمریکا^۹، کنفرانس رهبری مسیحیان جنوبی^{۱۰}، پلنگ‌های سیاه^{۱۱}، جنبش سرخ پوستان آمریکایی^{۱۲} و کمیته همبستگی با مردم السالوادور^{۱۳} اقداماتی انجام داد که منجر به نقض حقوق سیاسی مخالفان گردید^{۱۴}. اقدامات غیرقانونی و پنهانی اف.بی.آی «حذف و

1. Walla Walla

2. Function of Testes

3. Kauzlarich, D. and Kramer, R.C. (1998). **Crimes of the Nuclear State: At Home and Abroad**. Boston: Northeastern University Press

4. Kauzlarich, **Op.Cit**,p.41

5. Tuskegee Syphilis Experiments

۶. آزمایش‌های سفلیس تاسکجه مطالعه‌ی کلینیکی شدند که در فاصله بین ساله های ۱۹۷۲-۱۹۳۲ در تاسکجه در آلباما توسط خدمات بهداشتی عمومی آمریکا انجام شد. در آزمایش ۳۹۹ نفر آزمایش شدند که هرگز به آنها گفته نشده بود که بیماری سفلیس دارند و برای درمان این بیماری معالجه می‌شوند. بر این آزمایش چه از نظر اصول اخلاقی و چه از نظر پزشکی انتقادات زیادی وارد شد.

7. FBI's COINTELPRO

8. CPUSA

9. SWP

10. SCLC

11. Black Panthers

12. AIM

13. CISPES

14. Caulfield, S. (1991). The Perpetuation of Violence Through Criminological theory: The Ideological Role of Subculture Theory. In H.E. Pepinsky and R. Quinney (eds.), **Criminology as Peacemaking**. Bloomington: Indiana

خشتی کردن» مخالفان سیاسی بود و از روش‌های غیرقانونی چون باز کردن نامه، هتک حرز و ورود به منزل، استراق سمع،^۱ نفوذ پنهانی به گروه و تهدید به مرگ استفاده می‌شد.^۲

همچنین تولید سلاح‌های هسته‌ای و اتمی توسط دپارتمان انرژی ایالات متحده منجر به تخریب شدید محیط زیست و آلودگی محیط زیست به مواد رادیواکتیو شده است. براساس قانون سازمان حمایت از محیط زیست، قانون آب‌های پاکیزه و قانون حفظ و بازسازی منابع، هفده منطقه به طور اساسی آسیب‌دیده و آلوده شده‌اند.

در مناطقی که سلاح‌های هسته‌ای تولید، انبار و آزمایش شده‌اند، دلایل حاکی از این است که میزان بالاتری از سقط جنین، سرطان خون (لوسمی) و دیگر مشکلات بهداشتی وجود دارد. تأثیرات انسانی تخریب محیط زیست بر اثر آزمایش صدها سلاح هسته‌ای در مناطق غربی ایالات متحده، مصداق دیگری از جرایم دولت است. مطالعه جدید مؤسسه ملی سرطان نشان می‌دهد که ده هزار نفر از مردم به علت انجام آزمایش‌های هسته‌ای دچار سرطان تیروئید شده‌اند.^۳ بزه‌دیدگان این جرایم زیست‌محیطی، تنها غیرنظامیان گمنامی نیستند که در کنار محل آزمایش این سلاح‌ها زندگی می‌کنند بلکه پرسنل نظامی نیز که مجبور به تماشای موج انفجار این آزمایش‌ها هستند، در معرض این خطر قرار دارند.^۴ در این موارد، به راحتی بزه‌دیدگان مورد سوء استفاده و استثمار قرار می‌گیرند زیرا ناآگاه و ضعیف هستند و موقعیت سازمانی بالایی ندارند.

د) جرایم بین‌المللی-بین‌المللی دولت

این جرایم «اقدامات مجرمانه‌ای هستند که خارج از قلمرو جغرافیایی یک دولت و برخلاف قوانین بین‌المللی یا استانداردهای حقوق بشری ارتکاب می‌یابند»؛^۵ برای مثال نقض معاهدات بین‌المللی (مانند نقض کنوانسیون نسل‌کشی، کنوانسیون ژنو و معاهده عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای)، انواع مختلف پنهان و آشکار تجاوز که بیانگر حمایت دولتی از

University Press, pp. 228–238. ; Churchill, W. and Vander Wall, J. (1990). **The Cointelpro Papers**. Boston, MA: South End Press.

1. Beirne, P. and Messerschmidt, J. (2000). **Criminology**, 3rd edition. Boulder, CO: Westview.

2. Churchill, W. and Vander Wall, J. (1990). **The Cointelpro Papers**. Boston, MA: South End Press.

3. Neergaard (1997). 50s Fallout Posed Threat to Thyroids. **Philadelphia Enquirer**, August 2.

4. Kauzlarich, D. and Kramer, R.C. (1998). **Crimes of the Nuclear State: At Home and Abroad**. Boston: Northeastern University Press.

5. Kauzlarich, **Op,Cit**, p.41.

تروریسم باشد^۱، ترورهای سیاسی^۲، براندازی حاکمیت دولت‌ها و فرایندهای سیاسی^۳. تمام این اقدامات در جامعه بین‌المللی تعریف شده و براساس حقوق بین‌الملل ممنوع شده است. کشورها به صورت تاریخی، از طریق تسهیل سرکوب حقوق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شهروندان سایر کشورها (آشکار یا ضمنی) از دیکتاتوری‌های ظالم پشتیبانی کرده‌اند. مصادیق این جرایم فراوان است و مستند نیز شده‌اند، اما در اینجا بر یکی از جرایم مغفول مانده، یعنی اعمال تحریم‌های اقتصادی بر کوبا، تمرکز می‌شود.

هرچند ماهیت و قلمرو تحریم‌های اقتصادی متفاوت است، اما تحریم نوعی اجحاف و ظلم علیه غیرنظامیان کشوری است که تحریم‌کننده به دنبال تغییرات سیاسی و اقتصادی دلخواه یا تنبیه کشور مورد نظر است^۴. به طور تاریخی تحریم‌های اقتصادی در حقوق داخلی و بین‌المللی به عنوان جایگزینی بشردوستانه برای اجبار نظامی مطرح شده‌اند. مثال‌هایی وجود دارد که اعمال تحریم‌های اقتصادی در تحقق تغییرات سیاسی مورد نظر، موفق بوده‌اند (مانند هائیتی و آفریقای جنوبی) یا تقریباً مورد حمایت جامعه جهانی قرار داشته است (مانند عراق). با وجود این حتی در مورد تحریم‌های موفق نیز نگرانی‌های بشردوستانه وجود دارد.

تصویب قانون دموکراسی کوبا^۵ در سال ۱۹۹۲ و قانون هلمز-برتون^۶ در سال ۱۹۹۶ گامی مهم در تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه کوبا بود. انجمن آمریکایی بهداشت جهانی^۷ جهانی^۷ اعلام کرد که تشدید تحریم اقتصادی در سال ۱۹۹۲ مشکلات بهداشتی فراوانی را در زمینه سوء تغذیه، کیفیت آب، کمبود تجهیزات پزشکی و دارویی برای شهروندان کوبایی ایجاد کرده است. همچنین منع فروش مواد غذایی آمریکایی به کوبا موجب سوء تغذیه شدید شده است؛ به ویژه در میان زنان حامله منجر به افزایش تولد کودکانی با وزن کم شده

1. Herman, E.S. (1987). U.S. Sponsorship of International Terrorism: An Overview. *Crime and Social Justice* 27-28, 1-31.
2. Hamm, M.S. (1993). State-Organized Homicide: A Study of Seven CIA Plans to Assassinate Fidel Castro. In W. Chambliss (ed.), *Making Law: The State, the Law, and Structural Contradictions*. Bloomington, IN: Indiana University Press, pp. 315-346.
3. Chomsky, N. (1992). *Deterring Democracy*. New York: Hill & Wang. ; Chomsky, N. (1993). *Year 501: The Conquest Continues*. Boston, MA: South End Press. ; Chomsky, N. and Herman, E.S. (1979). The United States Versus Human Rights in the Third World. *The Monthly Review* 29, 22-45.
4. Haass, R. (1998). *Economic Sanctions and American Diplomacy*. New York: Council on Foreign Relations, c1998; Hufbauer, G., Schott, J., and Elliot, A. (1990). *Economic Sanctions Reconsidered*, 2nd edition. Washington, D.C.: Institute for International Economics.
5. Cuban Democracy Act
6. Helms-Burton
7. AAWH

است. همچنین کمبود غذا موجب شیوع ناراحتی‌های عصبی شده و این تحریم‌ها، در دسترسی به آب آشامیدنی محدودیت ایجاد کرده است که منجر به شیوع بیماری و مرگ و میر شده است.

در قوانین داخلی کشورها اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه کشور دیگر پیش‌بینی شده است. برای مثال تحریم کوبا توسط ایالات متحده بر اساس قانون تجارت با دشمن^۱ (۱۹۱۷)، قانون معاضدت خارجی^۲ (۱۹۶۱) و قانون مدیریت صادرات^۳ (۱۹۱۹) است. از لحاظ بین‌المللی نیز سازمان ملل براساس ماده ۴۱ از فصل ۷ منشور سازمان ملل به اعمال تحریم (و حتی حمله نظامی) علیه کشورها مجاز شده است. از زمان تصویب قانون دموکراسی کوبا (۱۹۹۲)، مجمع عمومی سازمان ملل متحد هر سال، قطعنامه‌ای علیه اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه کوبا صادر کرده است. کوبا ادعا می‌کند که اعمال تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه کوبا، (به‌ویژه قانون دموکراسی کوبا و قانون هلمز برتون) که به دنبال تغییر نهادهای سیاسی و اقتصادی در کوبا هستند، اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، مانند منع مداخله و تساوی حاکمیت کشورها، را نقض می‌کند. موضوعی که موجب نگرانی در مورد مورد این دو قانون شده است، ماهیت فراملی این دو قانون و عدم حق حاکمیتی آمریکا برای اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه کوبا است.

ه) جرایم بین‌المللی-داخلی دولت

جرایم بین‌المللی-داخلی دولت «رفتارهای مجرمانه‌ای هستند که به وسیله دولت‌ها و در خارج از مرزها و برخلاف قوانین کیفری خود ارتکاب می‌شوند»^۴ برای مثال پرونده ایران کنترا نقض مقررات و عرف بین‌المللی براساس ماده ۵ قانون اساسی آمریکا جرم بین‌المللی-داخلی دولت تلقی می‌شود که آن را شرط برتری^۵ می‌دانند که براساس آن معاهدات بین‌المللی بر مقررات داخلی و سرزمینی برتری دارد.

پرونده ایران کنترا یکی از مصادیق جرایم بین‌المللی-داخلی دولت است که در زمان ریگان رخ داد. در این پرونده، دولت آمریکا معاملاتی پنهانی درباره فروش اسلحه با ایران انجام داد. پول ناشی از فروش این سلاح‌ها، به انقلابیون نیکاراگو (معروف به کنترا)

1. Trading with the Enemy Act

2. Foreign Assistance Act

3. Export Administration Act

4. Krinsky, M. and Golove, D. (1993). **United States Economic Measures Against Cuba: Proceedings in the United Nations and International Law Issues.** Northampton, MA: Aletheia Press.

5. Kauzlarich, **Op,Cit**, p.41.

6. Supremacy Clause

پرداخت گردید. این کار توسط افرادی چون الیور نورث، جان پویندستر، ریچارد سکورد و البرت حکیم انجام شد که برخلاف قوانین داخلی آمریکا بود، زیرا عرضه و تهیه سلاح برای کنترا، برخلاف قانون اصلاحیه سلاح‌های بولند^۱ بود. در اصلاحیه ۱۹۸۴ صریحاً حمایت نظامی و مالی دولت ایالات متحده از کنتراها ممنوع اعلام شد. در فاصله سال‌های ۱۹۸۶-۱۹۸۴ دولت ریگان با نادیده گرفتن این قانون، به حمایت مالی و نظامی از کنتراها پرداخت. علاوه بر کمک‌های تسلیحاتی و پشتیبانی نظامی، دولت ریگان با برنامه‌های پرداخت رشوه، اجبار و پاداش در کشورهای آمریکای مرکزی که پشتیبانی سیاسی، نظامی و لجستیکی آنها برای استمرار فعالیت کنتراها حیاتی بود، مشارکت کرده بود.

تخمین صدمات و زیان‌های ناشی از این فعالیت‌های غیرقانونی مشکل است. واقعیات حکایت از این دارد که حمایت آمریکا از کنتراها در بین سال‌های ۱۹۸۵-۱۹۸۴ منجر به عملیات‌های تروریستی و جرایم جنگی مختلف شد که در پی آن بسیاری از غیرنظامیان، زنان و کودکان به قتل رسیدند، شکنجه یا ربوده شدند و به اهداف اقتصادی و اجتماعی حمله شد و رهبران مذهبی ربوده یا شکنجه شدند یا به قتل رسیدند.^۲

و) گزاره‌های بزه‌دیده‌شناسی جرایم دولت

جرایم دولتی بسیار متنوع هستند. برای مثال مقایسه بزه‌دیده‌شناختی تروریسم اقتصادی بین‌المللی علیه مردم کوبا و عراق با نژادپرستی، تبعیض نژادی و طبقاتی نهادینه‌شده یا صدمات انسانی ناشی از تشعشات یا نظام عدالت کیفری ناعادلانه بسیار مشکل است. با وجود این می‌توان گزاره‌هایی کلی پیرامون بزه‌دیدگان جرایم دولت، که مبتنی بر تحقیقات کنونی و سابق در این حوزه هستند، ارائه داد.

۱. بزه‌دیدگان جرایم دولت ضعیف‌ترین کنشگران اجتماعی

با نگاهی اجمالی به جرایم دولت آشکار می‌شود که بین بزه‌دیده و عامل بزه^۳ از نظر قدرت تفاوت فاحشی وجود دارد. مقامات دولتی قدرت خود را برای کنترل دیگران گسترش داده و از طرف دیگر بزه‌دیدگان جرایم دولتی تخصص و مهارت‌های علمی و فنی مناسبی ندارند. همچنین مقامات دولتی می‌توانند که بر بسیاری از بی‌اخلاقی‌ها و کارهای غیرقانونی خود با توجیهاتی چون «امنیت ملی» سرپوش بگذارند.

1. Boland Arms Amendments

2. Beirne, P. and Messerschmidt, J. (2000). *Criminology*, 3rd edition. Boulder, CO: Westview.

3. Victimizer

بزه‌دیدگان سایر جرایم دولتی، از قبیل غیرنظامیان در جنگ، قربانیان ژنوساید، کارگران و بی‌خانمان‌ها، در مقایسه با نهادها و مقامات دولتی قدرت اجتماعی کمتری دارند. سپربلا کردن، کلیشه‌ای برخورد کردن، پرونده درست کردن و طبقه‌بندی کردن مردم متعلق به این گروه‌ها، به علت تفاوت گسترده در قدرت، برای دولت‌ها آسان‌تر است.

به نظر می‌رسد که میان توزیع ناعادلانه قدرت و نیز گستره و فراوانی جرایم دولت، چه در حوزه داخلی و چه در حوزه بین‌المللی، رابطه مثبتی وجود دارد. واضح است که توزیع نامساوی قدرت اجتماعی در میان دولت‌ها، فرصت‌های بیشتری برای جرایم دولتی فراهم می‌کند. ایالات متحده در مقایسه با اکثر کشورها، کنترل و قدرت بیشتر در تعریف، رسیدگی و تعقیب جرایم دولتی دارد. دادگاه‌های بین‌المللی، سازمان ملل متحد، شورای امنیت، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول از منافع آمریکا پشتیبانی و حمایت می‌کنند. غیر از چند استثناء، بعید است بزه‌دیدگی دولت‌های حاشیه‌ای و شبه‌حاشیه‌ای توسط ایالات متحده تأیید و جبران شده باشد. بین تحریم‌های آمریکا علیه عراق و مرگ و میرکودکان بی‌گناه عراقی بر اثر گرسنگی ارتباط مستقیم وجود دارد. تحریم علیه مردم کوبا نیز منجر به صدمات اجتماعی و جسمی فراوان شده است.

۲. عاملان بزه عموماً ماهیت، گستره و زیان ناشی از سیاست‌های نهادینه خود را تأیید نمی‌کنند و در صورت تأیید، در بستر مفهوم «استحقاق»، صدمه و زیان را خنثی می‌کنند

مهم‌ترین تفاوت میان بزه‌دیده و عامل بزه در قدرت اعمال اراده است. عاملان بزه، غالباً تأیید نمی‌کنند که سیاست‌ها و خط‌مشی‌های آنها تا چه حد موجب زیان شده است، در حالی که اثربخشی سیاست‌هایی را که منجر به نتایج مطلوب، ایجاد هماهنگی یا ارتقای دیگر اشکال سلطه شده است ارزیابی می‌کنند. سیاست‌های داخلی و بین‌المللی ناعادلانه و زیان‌بار، از طریق خنثی کردن ضرورت‌های مطلق منطقی، کم اهمیت جلوه داده می‌شوند. این موضوع در حوزه جرایم نخبگان نیز وجود دارد. انکار مسئولیت، غیرانسانی نشان دادن ضعیفان به منظور بهره‌کشی و وفاداری (برای مثال امنیت ملی یا اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری) در بزه‌دیده شناسی جرایم دولت نیز وجود دارد.

تیفت و مارخام اعتقاد دارند روشی که سیاست‌گذاران تأثیرات مخرب و زیان‌بار سیاست‌های خود را با آن خنثی می‌کنند، شبیه به روشی است که متجاوزان به قربانیان خود نگاه می‌کنند. این دو به داستان طولانی سوءاستفاده آمریکا در آمریکای لاتین و مرکزی اشاره می‌کنند:

سیاست‌گذاران آمریکایی آگاهانه تصمیم گرفتند که: (۱) ایالات متحده حق دارد که آمریکای مرکزی را کنترل کند و مردم آمریکای مرکزی مکلف‌اند که در برابر این بازی قدرت تسلیم شوند. (۲) توسل به خشونت مجاز است و سیاست‌گذاران باید با آن کنار بیایند و این گونه استنتاج می‌کنند که خود، انسان‌های اخلاقی هستند و سیاست‌هایشان نیز با وجود اینکه با خشونت همراه است، اخلاقی هستند. (۳) استفاده از خشونت، ارباب و تهدید منجر به نتایج مطلوب خواهد شد (۴) سیاست خشونت و کنترل، خطری برای ایالات متحده نخواهد داشت.

همچنین کوهن به بررسی اینکه حکومت‌ها چگونه به اتهام نقض حقوق بشر واکنشی رسمی نشان می‌دهند، پرداخته است. وی اعتقاد دارد که انکار مقامات رسمی نوعاً شامل یکی از موارد زیر است: انکار لفظی (اتفاقی نیفتاده)، انکار تفسیری (چیزی که اتفاق افتاده فرق می‌کند)، انکار مداخله‌ای (چیزی که اتفاق افتاده است موجه است).

در حوزه داخلی، سیاست‌گذاران اندکی تأیید می‌کنند که سیاست‌های آنها موجب نژادپرستی و نابرابری‌های ساختاری شده است که موجب زیان‌های قابل توجهی به گروه‌های اقلیت و زنان شده است. در غالب موارد، بزه‌دیدگان، افرادی فقیر و بی‌ارزش محسوب می‌شوند که حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنها به دیگران داده می‌شود.

۳. بزه‌دیدگان جرایم دولت به جهت بزه‌دیدگی سرزنش می‌شوند

متأسفانه، سرزنش بزه‌دیده یکی از واکنش‌های رایج به بزه‌دیدگان جرایم دولتی است. در آمریکا فقرا، اقلیت‌ها، بی‌خانمان‌ها و زنان غالباً به علت این باور نادرست که حرکت و جهش عمودی بین نسلی آسان است، آماج انتقاد قرار می‌گیرند؛ در حالی که ساختارهای اجتماعی بسیار پیچیده و عجیب‌اند. با زندانیان و متهمان بی‌رحمانه برخورد می‌شود و نقش و جایگاه خودباور شده آنها موجب به حاشیه رفتن ثروت، اخلاق و توانایی‌های انسانی آنها شده است. زندانیانی که سوژه آزمایش‌ها قرار گرفته‌اند در بهترین حالت مستحق دریافت آزادانه اطلاعات نیستند و در بدترین حالت باید هزینه‌ی آن را نیز پرداخت نمایند.

۴. بزه‌دیدگان جرایم دولتی به منظور جبران خسارت باید بر عامل بزه، نهادهای وابسته یا جنبش‌های مدنی اجتماعی تکیه نمایند

از لحاظ نظری، نظام عدالت کیفری، فرایند جرم‌انگاری را به نام دولت و نه به نام بزه‌دیده‌ای خاص انجام می‌دهد؛ «مردم» به عنوان بزه‌دیدگان انتزاعی در نظر گرفته می‌شوند. زمانی که «مردم» یا گروهی از مردم توسط هیئتی که بر آنها و قانون برتری دارند، بزه‌دیده

می‌شوند، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ چه فرایندهای نهادینه‌شده‌ای در نظام عدالت کیفری در دسترس بزه‌دیدگان قرار دارد؟

در اغلب موارد (مانند آزمایش‌های پلوتونیوم و آزمایش بر روی زندانیان و بعضی موارد تبعیض‌های جنسیتی و نژادی) غرامت و جبران خسارت از دادگاه‌های مدنی مطالبه می‌شود. در سایر موارد، این درخواست ممکن است از کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد و از طریق مجمع عمومی سازمان ملل یا دادگاه بین‌المللی عدالت خواسته شود. فرصت‌های دریافت غرامت بین‌المللی برای بزه‌دیدگی‌های داخلی تا حدی بستگی به وضعیت عضویت اولیه دولت دارد. برای مثال، ایالات متحده کنوانسیون نسل‌کشی (ژنوساید) را امضاء نکرده است زیرا به دنبال محدود کردن «مداخله خارجی» در امور داخلی خود است. شهروندانی که در چنین کشورهایی بزه‌دیده می‌شوند، امکان کمی برای معاضدت به آنها وجود دارد.

یکی دیگر از اقدامات خطرناک دولت، که تمام شهروندان را تهدید می‌کند، استفاده از سلاح‌های هسته‌ای است. حدود شش میلیارد نفر با ترس از این سلاح‌ها زندگی می‌کنند. سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل در اجرای قوانین موجود بسیار کند عمل می‌کنند، برای مثال سالانه مجمع عمومی سازمان ملل تحریم‌های آمریکا علیه کوبا را محکوم می‌کند اما در عمل اقدام مؤثری برای جلوگیری از این اقدامات انجام نمی‌دهد. با این حال امیدواری کمی مبنی بر مداخله رسمی جامعه جهانی وجود دارد.

فرایند کمک کردن به بزه‌دیدگان جرایم دولت یا حتی پایان دادن به بزه‌دیدگی جرایم دولت بسیار مشکل و متفاوت از جرایم سنتی و جرایم یقه سفیدها است. ریشه این موضوع در شناسایی کنشگران، سازمان‌ها و نیروهای نهادی است که مسئول جرایم دولت هستند، در صورتی که سیاست‌ها یا اقدامات، غیراخلاقی، زیان‌بار یا مجرمانه باشند.

۵. بزه‌دیدگان جرایم دولتی آماج‌های آسانی برای بزه‌دیدگی مجدد هستند

نحوه صدمه دیدن بزه‌دیدگان جرایم دولت، ممکن است در طول زمان تغییر کند. صدمه و زیان وارد بر بزه‌دیدگان جرایم دولت کاهش نمی‌یابد، بلکه تغییر شکل می‌دهد. علاوه بر این عده‌ای از بزه‌دیدگان مستمراً توسط یک سازمان بزه‌دیده می‌شوند. برای مثال زنان، اقلیت‌ها، فقرا و کارگران و کسانی که در کشورهای توسعه‌نیافته زندگی می‌کنند بزه‌دیده جرایم خیابانی سنتی (از قبیل خشونت‌های خانوادگی و کودک آزاری) می‌شوند و آماج بزه‌دیدگی مضاعف هستند.

در مورد فقرا، تلاش‌های حقیقی کمی به منظور بهبود شرایط ساختاری و حذف فقر انجام می‌شود.^۱ زنان نیز، به رغم تلاش‌های ظاهری برای اعطای جایگاه اجتماعی برابر آنها در جامعه، با تبعیض جنسی نهادینه‌شده و «سقف شیشه‌ای»^۲ مواجه هستند. اقلیت‌ها نیز برای مدت زمانی طولانی مورد نژادپرستی نهادینه شده بوده‌اند، هر چند عده‌ای اعتقاد دارند که سیاست‌ها و اقدامات انجام شده، موجب کم شدن آثار نژادپرستی در جامعه شده است، اما این موضوع در جامعه وجود دارد. تاریخ آمریکا حاکی از بزه‌دیدگی اقلیت‌ها و سرکوب گروه‌های اقلیت است.^۳

یکی دیگر از پرونده‌های بزه‌دیدگی مضاعف، افرادی بودند که خود و خانواده‌هایشان در معرض آزمایش پلوتونیوم قرار گرفته بودند. این آزمایش را به صورت غیراخلاقی نهادهای دولتی برای چند دهه انجام داده بودند. چند سال بعد از مرگ این افراد، خانواده‌های آنها نامه‌ای از کمیسیون انرژی اتمی دریافت کردند که کاشف تحقیقات بیشتری بود. در این یادداشت دو دروغ گفته شده بود: (۱) افراد مورد آزمایش درمان شده بودند (۲) آنها میزان نامشخصی از تشعشع دریافت کرده بودند. در حالی که با این افراد به مانند خوکچه‌هایی رفتار شده بود که موافق با تزریق پلوتونیوم نبودند و مدارک حاکی از این است که میزان پلوتونیوم تزریقی به سیاهرگ‌ها کاملاً مشخص بوده است.^۴

1. Bohm, R. (1993). Social Relationships that Arguably Should be Criminal Although They are not: On the Political Economy of Crime. In K. Tunnell (ed.), **Political Crime in Contemporary America**. New York: Garland, pp. 3-30.

۲. در ادبیات مدیریت دو مفهوم حصارهای شیشه‌ای (Glass Walls) و سقف شیشه‌ای (Glass Ceiling) استفاده می‌شود. منظور از حصارهای شیشه‌ای، حصارهای نامرئی عمودی است که براساس تفکیک جنسیتی مشاغل شکل می‌گیرند. از سوی دیگر مانع غیرقابل نفوذی در سازمان‌ها وجود دارد که از ارتقای زنان، فراتر از حدی که تعیین شده جلوگیری می‌کند. این وضعیت را اصطلاحاً سقف شیشه‌ای می‌نامند. با وجود این مانع، زنان از صعود به سطوح بالاتر مدیریتی منع می‌شوند. حصارهای شیشه‌ای مانع تحرک شغلی و سقف شیشه‌ای مانع از ارتقای شغلی در سازمان‌ها می‌شود. به عبارت دیگر، سقف شیشه‌ای به موانع مصنوعی و نامرئی، تصمیمات سازمانی و تعصبات مسئولان سازمان اطلاق می‌شود که مانع پیشرفت اشخاص با صلاحیت یا اقلیت‌ها (بویژه زنان) در داخل سازمانها می‌گردند. این اصطلاح از دهه ۱۹۷۰ در آمریکا شکل گرفت. (مترجم)

3. Churchill, W. (1995). **Since Predator Came: Notes from the Struggle for American Indian Liberation**. Littleton, CO: Aigis Publications.

4. Kaulzarich, D. and Kramer, R.C. (1998). **Crimes of the Nuclear State: At Home and Abroad**. Boston: Northeastern University Press.

۶. رویه‌ها و سیاست‌های غیرقانونی دولت را وقتی افراد یا گروهی از افراد مرتکب می‌شوند، بازتابی از تلاش برای رسیدن به اهداف سازمانی، دیوان‌سالار و نهادی است

درون‌مایه جاری این بوده است که زیان‌های ناشی از دولت، به علت اقدامات افراد یا گروهی از افراد بوده است که اهداف بزرگتر سازمان‌شان را دنبال می‌کرده‌اند. این اهداف بزرگتر نهادی ممکن است با اهداف افراد سازگار باشد یا نباشد. به جای اینکه صدمه به بزه‌دیدگان جرایم دولت را نتیجه اقدامات افرادی بدانیم که دست به رفتارهای غیراخلاقی یا غیرقانونی می‌زنند، بهتر است جرایم دولت را نتیجه فشار سازمانی برای رسیدن به اهداف سازمانی بدانیم. اشکال مختلفی از جرایم دولت در طول زمان استمرار داشته‌اند (مانند پرونده ایران-کنترا، تحریم اقتصادی کوبا، تبعیض‌های نهادینه شده در نظام عدالت کیفری و غیره) که آنها را کنشگران مختلفی انجام داده‌اند. چون جرایم دولت در طول زمان به دست افراد مختلفی با نقش‌های متعدد، استمرار دارد، ممکن است تصور شود که انسان‌های غیراخلاقی زیادی وجود دارند یا در فرهنگ سازمانی چیزی وجود دارد که این بی‌اخلاقی را تکثیر می‌کند. در بهترین حالت، سازمان فی‌نفسه، مشکلی دارد که از تصمیم‌گیران غیراخلاقی محافظت می‌کند. در بدترین حالت، فضا و جو سازمانی فی‌نفسه موجب تکثیر، تسهیل و تشویق چنین رفتارهایی می‌شود^۱.

برای کاهش جرایم دولت به سطح فردی، باید زمینه‌های^۲ اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که ماهیت، شکل و اهداف نهادهای دولت را شکل می‌دهند، فراموش کرد. حتی بررسی اجمالی اشکال مختلف جرایم دولت آشکار می‌کند که این زمینه‌های بزرگتر به صورت کلان، به بزه‌دیدگی و بزهکاری جرایم دولت مرتبط هستند. بعضی مواقع این زمینه‌ها، اضطراری هستند، برای مثال جنون جنگ سرد انگیزه‌ای برای آزمایش‌های غیراخلاقی تشعشعات بر روی انسانها، آزمایش سلاح‌ها و تخریب محیط زیست بود. دولت ممکن است در ایجاد و استمرار شرایطی که موجب ایجاد زیان‌های سازمانی ناشی از نهادها می‌شود، نقش مهمی داشته باشد.

نتیجه

حتی با وجود تعریف پذیرفته‌شده جهانی از جرایم دولت، بسط و گسترش بزه‌دیدگی شناسی پدیده‌ای است که بعید است به این زودی اتفاق بیفتد. اکنون زمان آن است که محققان جرایم دولت، انرژی کمتری برای بحث پیرامون شمول این موضوع در حوزه جرم‌شناسی صرف کنند و زمان بیشتری وقف مطالعه زیان‌ها و صدمات ناشی از اقدامات و سیاست‌های دولت نمایند.

1. Ermann, M.D. and Lundman, R.J. (1996). Corporate and Governmental Deviance. New York: Oxford University Press ;Braithwaite, J. (1989). Crime, Shame, and Reintegration. Cambridge: Cambridge University Press.
2. Contexts

یکی از نقطه‌های عزیمت به این موضوع، ادبیات گسترده‌ای است که در حوزه بزه‌دیدگان جرایم یقه‌سفید وجود دارد. برای مثال، برخلاف بسیاری از انواع بزه‌دیدگی جرایم خیابانی سنتی، بزه‌دیدگان جرایم نخبگان از منشأ صدمه و زیان بی‌خبرند و حتی در بعضی موارد، از اینکه زیان دیده‌اند اطلاعی ندارند. علاوه بر اینکه عموم مردم از هماهنگی ضمنی و تباری قیمت با یکدیگر^۱ و دیگر انواع تقلب‌های اقتصادی و مالی مطلع نمی‌شوند، عادی‌سازی فرهنگی و سیاسی نابرابری‌های اقتصادی، نژادی و جنسیتی، بر بسیاری از جرایم دولت سرپوش می‌نهد. در مورد جرایمی از قبیل نسل‌کشی، امپریالیسم و تروریسم اقتصادی، (به علت رویت پذیری بزه‌دیده) مشکل از تأیید اینکه آیا صدمه و زیانی رخ داده است یا خیر، به اینکه آیا رفتار یا سیاست مجرمانه بوده است یا خیر، تغییر می‌کند. سؤالات دیگری که مطرح می‌شود این است که آیا این رفتار و سیاست موضوع جرم شناسی است و آیا از لحاظ حقوقی قابل پیگیری است و آیا بزه دیده مستحق جبران خسارت هست یا خیر. جرم‌شناسانی که علاقه‌مند به پیشرفت مطالعه جرایم دولت هستند، در بررسی این موضوع بدون راهنمایی نیستند، بلکه از دهه‌های قبل جرم‌شناسان در مورد تروریسم، جرایم شغلی و دیگر انواع جرایم شرکتی بحث کرده‌اند. واکنش ما به این موضوعات باید شبیه به واکنش ساترلند (۱۹۴۵) در مورد جرایم یقه‌سفیدی و کلینارد و یگار^۲ در مورد جرایم شرکتی و باراک^۳ در مورد جرایم دولت باشد: جرایم دولت یک واقعیت است، زیان‌بار است و موجب بزه‌دیدگی می‌شود، بنابراین باید موضوع کنترل اجتماعی و تحلیل‌های جرم‌شناختی قرار گیرد. در پایان، اهمیت حقیقی مطالعه جرایم دولت موجب کاهش و حذف بهره‌کشی، رنج و طرد انسان‌ها خواهد شد. ادبیات جرم‌شناختی پیرامون علت-شناسی، کنترل و بزه‌دیده شناسی جرایم دولت بی‌فایده است؛ به مانند هزاران کتاب و مقاله‌ای که سالانه منتشر می‌شود و به‌ندرت بر امنیت خانواده‌ها و جوامع که بر اثر جرایم خیابانی و خشونت بزه‌دیده می‌شوند، تأثیر می‌گذارد. به دلایل متعدد، علاوه بر دلایل تحقیقاتی، سیاسی و انسان‌دوستانه بزه‌دیدگان جرایم دولت باید از نظر جرم‌شناسی مطالعه شوند. توسعه و رشد بزه-دیده شناسی جرایم دولت، موجب رشد تغییرات اجتماعی ضروری برای کاهش میزان و شدت جرایم دولت می‌شود.

1. Price-Fixing
2. Clinard, M. and Yeager, P.C. (1980). *Corporate Crime*. New York: The Free Press.
3. Barak, G. (1991). *Crimes by the Capitalist State*. Albany: State University of New York Press.

منابع

- Advisory Committee on Human Radiation Experiments (1995). **Final Report**. Washington D.C.: USGPO.
- American Association for World Health (1997). **Denial of Food and Medicine: The Impact of the U.S. Embargo on Health and Nutrition in Cuba**. Washington, D.C.: American Association for World Health.
- Aulette, J.R. and Michalowski, R. (1993). Fire in Hamlet: A Case Study of State-Corporatecrime. In K. Tunnell (ed.), **Political Crime in Contemporary America**. New York: Garland, pp. 171-206.
- Barak, G. (1993). Crime, Criminology, and Human Rights: Toward an Understanding of State Criminality. In K. Tunnell (ed.), **Political Crime in Contemporary America**. New York: Garland, pp. 207-230.
- Barak, G. (1991). **Crimes by the Capitalist State**. Albany: State University of New York Press.
- Barlow, H.D. and Kauzlarich, D. (2002). **Introduction to Criminology**, 8th edition. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
- Beirne, P. and Messerschmidt, J. (1995). **Criminology**, 2nd edition. Orlando, FL: Harcourt Brace.
- Beirne, P. and Messerschmidt, J. (2000). **Criminology**, 3rd edition. Boulder, CO: Westview.
- Bergen, R.K. (1998). **Issues in Intimate Violence**. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Bohm, R. (1993). Social Relationships that Arguably Should be Criminal Although They are not: On the Political Economy of Crime. In K. Tunnell (ed.), **Political Crime in Contemporary America**. New York: Garland, pp. 3-30.
- Braithwaite, J. (1989). **Crime, Shame, and Reintegration**. Cambridge: Cambridge University Press.
- Caulfield, S. (1991). The Perpetuation of Violence Through Criminological theory: The Ideological Role of Subculture Theory. In H.E. Pepinsky and R. Quinney (eds.), **Criminology as Peacemaking**. Bloomington: Indiana University Press, pp. 228-238.
- Caulfield, S. and Wonders, N. (1993). Personal and Political: Violence Against Women and the Role of the State. In K. Tunnell (ed.), **Political Crime in Contemporary America**. New York: Garland, pp. 79-100.
- Chambliss, W.J. (1995). Commentary. **Society For the Study of Social Problems Newsletter**, Winter.
- Chambliss, W.J. (1989). State-Organized Crime. **Criminology** 27, 183-208.
- Chomsky, N. (1985). **Turning the Tide: U.S. Intervention in Central America and the Struggle for Peace**. Boston, MA: South End Press.
- Chomsky, N. (1992). **Deterring Democracy**. New York: Hill & Wang.
- Chomsky, N. (1993). **Year 501: The Conquest Continues**. Boston, MA: South End Press.
- Chomsky, N. and Herman, E.S. (1979). The United States Versus Human Rights in the Third World. **The Monthly Review** 29, 22-45.
- Churchill, W. (1995). **Since Predator Came: Notes from the Struggle for American Indian Liberation**. Littleton, CO: Aegis Publications.
- Churchill, W. and Vander Wall, J. (1990). **The Cointelpro Papers**. Boston, MA: South End Press.
- Clinard, M. and Quinney, R. (1973). **Criminal Behavior Systems: A Typology**. New York: Holt, Rinehart, and Winston.
- Clinard, M. and Yeager, P.C. (1980). **Corporate Crime**. New York: The Free Press.
- Cohen, S. (1993). Human Rights and Crimes of the State: The Culture of Denial. **Australian and New Zealand Journal of Criminology**, 26: 97-115.
- Cohen, S. (1996). Government Responses to Human Rights Reports. **Human Rights Quarterly**, 18: 517-543.
- Davis, J.K. (1992). **Spying on America**. Westport, CT: Praeger.
- Elias, R. (1986). **The Politics of Victimization**. Oxford: Oxford University Press.
- M.D. and Lundman, R.J. (1996). **Corporate and Governmental Deviance**. New York: Oxford University Press.
- Falk, R., Kolko, G. and Lifton, R.J. (1971). **Crimes of War**. New York: Vintage.
- Fox, J. and Szockyj, E. (1996). **Corporate Victimization of Women**. Boston: Northeastern University Press.
- Friedrichs, D.O. (1998). **State Crime: Volumes I and II**. Aldershot, U.K.: Ashgate/Dartmouth.
- Friedrichs, D.O. (1996). **Trusted Criminals: White Collar Crime in Contemporary Society**. New York: Wadsworth.

- Friedrichs, D.O. (1996a). Governmental Crime, Hitler, and White Collar Crime: A Problematic Relationship. **Caribbean Journal of Criminology and Social Psychology** 1, 44-63.
- Friedrichs, D.O. (1983). Victimology: A Consideration of the Radical Critique. **Crime and Delinquency**, April, 283-294.
- Green, P. J. and T. Ward (2000). State Crime, Human Rights, and the Limits of Criminology. **Social Justice** 27, 101-120.
- Hagan, F. (1997). **Political Crime: Ideology and Criminology**. Boston: Allyn and Bacon.
- Hamm, M.S. (1995). **The Abandoned Ones: The Imprisonment and Uprising of the Mariel Boat People**. Boston: Northeastern University Press.
- Hamm, M.S. (1993). State-Organized Homicide: A Study of Seven CIA Plans to Assassinate Fidel Castro. In W. Chambliss (ed.), **Making Law: The State, the Law, and Structural Contradictions**. Bloomington, IN: Indiana University Press, pp. 315-346.
- Haass, R. (1998). **Economic Sanctions and American Diplomacy**. New York: Council on Foreign Relations, c1998.
- Hazlehurst, K. (1991). Passion and Policy: Aboriginal Deaths in Custody in Australia 1980-1989. In G. Barak (ed.), **Crimes by the Capitalist State**. Albany: State University of New York Press, pp. 21-47.
- Henderson, J.H. and Simon, D.R. (1994). **Crimes of the Criminal Justice System**. Cincinnati: Anderson Publishing Company.
- Herman, E.S. (1982). **The Real Terror Network: Terrorism in Fact and Propaganda**. Boston, MA: South End Press.
- Herman, E.S. (1987). U.S. Sponsorship of International Terrorism: An Overview. **Crime and Social Justice** 27-28, 1-31.
- Hufbauer, G., Schott, J., and Elliot, A. (1990). **Economic Sanctions Reconsidered**, 2nd edition. Washington, D.C.: Institute for International Economics.
- Humphries, D. (1999). **Crack mothers: Pregnancy, Drugs, and the Media**. Columbus: Ohio State University Press.
- Johnson, R. and Leighton, P. (1999). American Genocide: The Destruction of the Black Underclass. In C. Summers and E. Markusen (eds.), **Collective Violence: Harmful Behavior in Groups and Governments**. New York: Rowman & Littlefield.
- Kauzlarich, D. (1995). A Criminology of the Nuclear State. **Humanity and Society** 19, 37-57.
- Kauzlarich, D. and Kramer, R.C. (1998). **Crimes of the Nuclear State: At Home and Abroad**. Boston: Northeastern University Press.
- Kauzlarich, D. and Kramer, R.C. (1993). State-Corporate Crime in the U.S. Nuclear Weapons Production Complex. **The Journal of Human Justice** 5, 4-28.
- Kauzlarich, D., Kramer, R.C., and Smith, B. (1992). Toward the Study of Governmental Crime: Nuclear Weapons, Foreign Intervention, and International law. **Humanity and Society** 16, 543-563.
- Kramer, R.C. and Kauzlarich, D. (1999). The World Court's Decision on Nuclear Weapons: Implications for Criminology. **Contemporary Justice Review** 2(4), 395-413.
- Kramer, R.C. and Michalowski, R. (1990). State-Corporate Crime. Paper Presented at the Annual Society of Criminology Meeting, Baltimore, MD.
- Kramer, R.C. (1992). The space shuttle **Challenger** explosion: A case study of State-Corporate Crime. In K. Schlegel and D. Weisburd (eds.), **White Collar Crime Reconsidered**. Boston: Northeastern University Press, pp. 214-243.
- Krinsky, M. and Golove, D. (1993). **United States Economic Measures Against Cuba: Proceedings in the United Nations and International Law Issues**. Northampton, MA: Aletheia Press.
- Markey Report (1986). **American Nuclear Guinea Pigs: Three Decades of Radiation Experiments on U.S. Citizens**. Subcommittee on Energy Conservation and Power. Committee on Energy and Commerce. U.S. House. Washington, D.C.: USGPO.
- Matthews, R. and Kauzlarich, D. (2000). The Crash of ValuJet Flight 592: A Case Study in State-Corporate Crime. **Sociological Focus** 3(3), 281-298.
- Mauer, M. (1999). **The Crisis of the Young African American Male and the Criminal Justice System**. Washington, D.C.: Sentencing Project.
- Mawby, R.I. and Walklate, S. (1994). **Critical Victimology**. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Michalowski, R.J. (1985). **Order, Law, and Power**. New York: Random House.
- Miller, J. (1996). **Search and Destroy**. Cambridge, MA: Cambridge University Press.
- Neergaard (1997). 50s Fallout Posed Threat to Thyroids. **Philadelphia Enquirer**, August 2.
- Quinney, R. (1972). Who is the Victim? **Criminology** 10(3), 314-323.
- Quinney, R. (1980). **Criminology**. Boston: Little, Brown Company.
- Rosoff, S., Pontell, H., and Tillman, R. (1998). **Profit Without Honor**, 2nd edition. Upper Saddle River, NJ: Prentice-Hall.

- Ross, J.I. (2000). **Varieties of State Crime and Its Control**. Monsey, NY: Criminal Justice Press.
- Ross, J.I. (1998). Situating the Academic Study of Controlling State crime. **Crime, Law and Social Change** 29, 331-340.
- Ross, J.I. (1995). **Controlling State Crime**. New York: Garland.
- Ross, J.I., Barak, G., Ferrell, J., Kauzlarich, D., Hamm, M., Friedrichs, D., Matthews, R., Pickering, S., Presdee, M., Kraska, P., and Kappeler, V. (1999). The state of state crime research: A commentary. **Humanity and Society** 23, 273-281.
- Siegel, L. (1998). **Criminology** (6th edition). Boston, MA: West/Wadsworth.
- Simon, D.R. (2002). **Elite Deviance** (7th edition). Boston: Allyn and Bacon.
- Simon, D.R. and Hagan, F. (1998). **White Collar Deviance**. Boston: Allyn and Bacon.
- Simon, D.R. and Eitzen, S.D. (1982). **Elite Deviance**. Needham Heights, MA: Allyn and Bacon.



معاونت تحقیقات،
آموزش و حقوق شهروندی